

DOI: [10.71854/soc.2025-1215129](https://doi.org/10.71854/soc.2025-1215129)

The Boundaries of Motherhood: Narratives of Fluidity, Resistance, and the Redefinition of Women's Maternal Experience

Payam khadem saba¹ 0009-0006-6792-5739 

PhD in Cultural Sociology, CEO of Sarv Omid Aftab Charity Foundation, Tehran, Iran

Mojhgan Bouloori 0009-0000-6386-1826 

PhD in Sociology; Instructor in Human Resource Training, Ministry of Education; and Principal of a High School in Tehran, Iran

Abstract

This study explores the multifaceted experiences of employed women in accepting the role of motherhood in Iranian society, a role that dominant discourses portray as natural, inherent, feminine, and instinctual. Utilizing a grounded theory approach and conducting in-depth interviews with 17 couples from various social classes and backgrounds, the research seeks to develop a theoretical explanation of the lived experience of motherhood. Findings indicate that formal structures, such as maternity leave policies, reduced working hours, and special support for mothers, despite their supportive appearance, reinforce the discourse of motherhood as an inherently feminine role. Simultaneously, media representations—particularly on Instagram—promote an idealized image of motherhood that intensifies competition, anxiety, and feelings of inadequacy among many women. Nevertheless, in response to the pressures of dominant motherhood discourses, women adopt diverse strategies, including autonomous mothering, shared mothering, role suspension, and redefining desirable motherhood standards. Narratives of non-biological motherhood (adoption) and even the rejection of maternal responsibilities further demonstrate that motherhood is not an instinctual act but a cultural and situational choice. The central phenomenon derived from this research is “fluid mothering,” which views mothering not as a predetermined or feminine role but as a dynamic, fluid process contingent upon social, identity, and structural contexts.

¹ Corresponding Author: saba.payam@gmail.com.

Keywords: Mothering, Dominant Motherhood Discourse, Structural Pressure, Women's Lived Experience, Grounded Theory, Digital Mothering, Non-Biological Mothering

مرزهای مادری، روایت‌هایی از سیالیت، مقاومت و بازتعریف تجربه‌ی مادری زنانه

پیام خادم صبا^۱

دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی، مدیر عامل کانون نیکوکاری سرو امید آفتاب

مژگان بلوری

دکترای جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، مدرس آموزش نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش و مدیر دبیرستان شهر تهران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲

چکیده

این پژوهش به بررسی تجربه‌های چندلایه و متکثر و متفاوت زنان شاغل از پذیرش نقش مادری در جامعه ایران می‌پردازد؛ نقشی که در گفتمان‌های مسلط، به عنوان مسئولیتی طبیعی، ذاتی، زنانه و غریزی معرفی و بازنمایی می‌شود. پژوهش با بهره‌گیری از رهیافت نظریه زمینه‌ای و انجام مصاحبه‌های عمیق با ۱۷ زوج از طبقات و زمینه‌های مختلف، تلاش کرده است تا از دل روایت‌های شخصی، به تبیینی نظری از تجربه زیسته مادری برسد. یافته‌ها نشان می‌دهند که ساختارهای رسمی مانند سیاست‌های مرخصی زایمان، کاهش ساعات کاری و حمایت‌های ویژه از مادران، علی‌رغم ظاهر حمایتی خود، به تثبیت گفتمان مادری به مثابه نقش ذاتی زنانه کمک می‌کنند. همچنان که ساختارهای جنسیتی و فرهنگی در شکل‌دهی به استانداردهای مادری به نحوی عمل می‌کنند که رعایت آنان منجر به فرسودگی روانی و فشاری مضاعف بر زنان به ویژه مادران شاغل می‌شود. همزمان بازنمایی‌های رسانه‌ای—به ویژه در فضای اینستاگرام—تصویر ایده‌آل‌شده‌ای از مادری را عرضه می‌کنند که رقابت، اضطراب و احساس نابسندگی را در بسیاری از زنان تشدید کرده است. با این حال، زنان در مواجهه با فشارهای گفتمان مسلط مادری، راهبردهای متنوعی از جمله مادری خودبنیاد، مادری اشتراکی، تعلیق نقش و بازتعریف معیارهای مطلوب مادری اتخاذ کرده‌اند. روایت‌هایی از مادری غیر زیستی (فرزندخواندگی) و حتی انکار مسئولیت مادری، نیز نشان می‌دهند که مادری نه امری غریزی، بلکه انتخابی فرهنگی و موقعیتی است. پدیده‌ی مرکزی استخراج‌شده در این پژوهش، «مادرانگی سیال» است؛ مفهومی که مادری را نه نقشی پیشینی و زنانه، بلکه فرایندی پویا، سیال و وابسته به بافت اجتماعی، هویتی و ساختاری می‌داند.

کلید واژه‌ها: مادرانگی سیال، گفتمان مسلط مادری، فشار ساختاری، تجربه زیسته زنان، مادری دیجیتال، مادری غیر زیستی

۱. نویسنده مسئول: saba.payam@gmail.com

مقدمه و بیان مساله

در بافت فرهنگی - اجتماعی ایران، مادری نه فقط یک تجربه‌ی فردی، بلکه جایگاهی تثبیت‌شده در سلسله‌مراتب جنسیتی است که از طریق ساختارهای رسمی و غیررسمی به زنان نسبت داده می‌شود. گفتمان‌های مسلط، مادری را نه یک انتخاب، بلکه بخشی از سرنوشت طبیعی و ذاتی زنانه تلقی می‌کنند؛ نگاهی که درسنت و فرهنگ، سیاست‌های جمعیتی، قوانین حمایتی، رویه‌های پزشکی، و تبلیغات رسانه‌ای بازتولید می‌شود. سیاست‌هایی چون مرخصی زایمان طولانی، کاهش ساعت کاری، مرخصی تحصیلی و شغلی مادران و انواع تسهیلات قانونی و حمایتی (نظیر حق مهد کودک، حذف مالیات از حقوق برای مادران دارای فرزند معلول و نظایر آن) که صرفاً برای زنان تعریف شده‌اند، سهم بزرگی در تثبیت این نقش جنسیتی دارند. در این چارچوب، مادری به مسئولیتی بدیهی برای زنان تبدیل می‌شود و هرگونه مشارکت پدران، نهادهای عمومی یا الگوهای جایگزین، به‌عنوان «کمک» تلقی می‌گردد، نه مسئولیت.

از سوی دیگر، تجربه‌هایی همچون مادری غیر زیستی (فرزندخواندگی) یا انکار مادری (قطع ارتباط با فرزند و عدم پذیرش مسئولیت‌های مادری)، ما را به این سمت رهنمون می‌شوند که مادری نه صرفاً امری غریزی یا طبیعت‌مند، بلکه انتخابی فرهنگی و هویتی اجتماعی است. صدای غالب در جامعه ما همان صدای گفتمان مسلطی است که مادری را غریزه‌ای قدرتمند و مقدس و زنان را پیوسته در جستجوی تعریف هویت خود در مادری و راضی از این نقش تقدیس شده باز می‌نماید.

این پژوهش، تلاشی است برای شنیده شدن صدای مادران در مواجهه با این مسئولیت سنگین جنسیتی. مساله بنیادین، جستجو، کشف و فهم تجربه‌ی زیسته‌ی آنان است و این‌که مادران به ویژه مادران شاغل (غیر خانه‌دار) که فعالیت اجتماعی پررنگ‌تری به عهده دارند چه تعارضات، فشارها و پیچیدگی‌هایی را در پذیرش این نقش جنسیتی تجربه می‌کنند؟ برای درک بهتر مفهوم زنانه بودن مادری و زیرساخت‌های فرهنگی آن، مصاحبه با همسران زنان نیز انجام گرفت تا بتوان تبیین عمیق‌تری از شرایط و تجربه زنانه بودن مادری به دست آورد.

پیشینه‌ی پژوهش

مفهوم مادری در دو دهه اخیر شاهد تحول نظری و رویکردی قابل توجه بوده است. پیش از این، مادری عمدتاً به‌عنوان یکی از ویژگی‌های ذاتی زنان تلقی می‌شد که ریشه در توانایی زیستی آنان در بارداری و زایمان داشت و بر غریزه مادرانه تأکید می‌کرد. (Chodorow, 1987:12)

با ظهور رویکردهای برساخت‌گرایانه و انتقادی، مادری به‌عنوان نتیجه تعاملات اجتماعی و فرهنگی فهمیده شد و نظریه‌های کنش متقابل¹ (Goffman, 1959: 23)، اجرای جنسیت² (Butler, 1990: 45) و مادری پرفشار³ (Hays, 1996: 78) بر این نکته تأکید دارند که مادری نه تنها نتیجه ویژگی‌های زیستی، بلکه محصول گفتمان‌های اجتماعی و فرهنگی است که زنان را به ایفای نقش مادری ملزم می‌کنند به نحوی که هیچ‌نشان می‌دهد که ایدئولوژی مادری نه طبیعی بلکه تاریخی و اجتماعی‌ست و به بازتولید نابرابری جنسیتی و ساختارهای سرمایه‌داری کمک می‌کند. او دو راحل ممکن مطرح می‌کند: گسترش مفهوم والدگری فشرده³ به جای تمرکز بر مادر، یا تبدیل مراقبت از کودک به یک فعالیت اجتماعی و ساختاریافته‌تر.

مطالعات تجربی در ایران نیز نشان می‌دهند که مادری تحت فشارهای ساختاری، فرهنگی و اجتماعی قابل توجهی قرار دارد و این فشارها تجربه‌ی مادرانه زنان را شکل می‌دهند. مطالعه‌ای کیفی توسط اسحاقی و همکاران (اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۲) نشان می‌دهد که زنان شاغل در مواجهه با مسئولیت‌های مادری با مجموعه‌ای از چالش‌های فردی و اجتماعی مواجه‌اند که تعارض بین نقش شغلی و مادری را تشدید می‌کند. پژوهش صادقی و شهابی (صادقی و شهابی، ۱۳۹۸: ۹۱) با رویکردی کیفی نشان می‌دهد که معنا و مفهوم مادری در جامعه‌ی ایران با توجه به موقعیت‌های جدید اجتماعی زنان بازتعریف شده‌است. در این فرایند زنان شاغل با تضادهای نقشی و شغلی پرفشار رو به رو هستند. مطالعات دیگر نیز تأکید دارند که علیرغم اینکه مادری زنانه در فرهنگ ایرانی طبیعی‌سازی شده اما جامعه مفهوم مادری را به زنان می‌آموزد. علینقیان در پژوهشی خودمردمنگاران به این باور رسیده‌است که حقیقتی طبیعی و غریزی برای مادر بودن وجود ندارد بلکه بسترهای اجتماعی و فرهنگی و نیز حوزه‌های دانش و شناخت موجود حقیقت مادر بودن را شکل می‌دهند. (علینقیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۸) پژوهش خادم صبا و همکاران (خادم صبا و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۱۵) نیز با رویکرد پارادایمی، زنانه‌نگاری مادری را نقد کرده و نشان داده‌است که مادری در ایران تحت تأثیر کلیشه‌های جنسیتی و ساختارهای نهادی، به وظیفه‌ای صرفاً زنانه محدود شده‌است.

این یافته‌ها در کنار مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که مادری بیش از آنکه انتخابی صرف باشد، تحت تأثیر گفتمان‌های مسلط و ساختارهای نهادی و هنجارهای جنسیتی دگرجنس‌گرایانه سرکوبگر شکل می‌گیرد و تجربه‌ی مادران در مقابله با این ساختارها با فشارهای روانی، اقتصادی و اجتماعی متعددی همراه است و گاه مادری را به یک مبارزه سیاسی تبدیل می‌کند (Ryan-Flood, 2009: 45). جکی ولف در کتابش در نقد ایدئولوژی مسلط مادری، برتری مطلق شیردهی مادر را روایتی ساده‌انگارانه و ایدئولوژیک می‌داند که به جای توانمندسازی زنان اغلب منجر به احساس گناه، قضاوت و اضطراب در مادران می‌شود و در راستای گفتمان مادری پرفشار عمل می‌کند. (Wolf, 2011: 78).

Doing Gender¹
Intensive Mothering²
Intensive Parenting³

در واکنش به رویکردهای ذات‌گرایانه نسبت به مادری، این پژوهش با اتکا بر حساسیت نظری فمینیستی، به مادری به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی می‌نگرد؛ پدیده‌ای که در تقاطع ساختارهای قدرت، هنجارهای جنسیتی و فرایندهای هویت‌یابی شکل می‌گیرد. پژوهش‌های فمینیستی نوین بر فشارهای اجتماعی و ساختاری مادری تمرکز کرده‌اند و به نقد استانداردهای ایده‌آل مادری پرداخته‌اند. گذار مادرانه^۱، مادری را فرایندی سیال و یک‌دگرگونی شامل تغییرات عمیق در شرایط زیستی، هویت و ارتباط فرد با اجتماع توصیف می‌کند. (Jones, 2023:87) مفهوم فرسودگی مادرانه^۲ به فشارهای اجتماعی مدرن ناشی از تلاش برای آشتی دادن هویت فردی و مادرانه اشاره دارد. (Bueskens: 2018:25) جایی که هنجارهای اجتماعی، مادری را معادل مراقبتی بی‌وقفه و بی‌پایان، همراه با شادی و رضایت تعریف می‌کنند. مادری دیجیتال فشارهای ناشی از انتظارات اجتماعی در عصر دیجیتال را برجسته می‌کند. سوپرمام‌هایی که تصویری ایده‌آل از مادری در رسانه‌های اجتماعی به نمایش می‌گذارند تا با هنجارهای مادری پرفشار همخوانی داشته باشند. (Lupton, 2016:153) این تحولات نظری، با برجسته‌سازی ابعاد عاطفی، شناختی و ساختاری مادری، ضرورت بازنگری در ساختارهای فرهنگی، سیاست‌های حمایتی و اجتماعی را به‌منظور کاهش فشار این نقش جنسیتی یادآور می‌شوند.

در نهایت، این مطالعات نظری و تجربی نشان می‌دهند که مادری نه تنها امری فردی، بلکه پدیده‌ای اجتماعی، فرهنگی و ساختاری است که تحت تأثیر گفتمان‌ها، هنجارها و نهادها شکل می‌گیرد. این دیدگاه زمینه‌ای غنی برای پژوهش‌های کیفی و نظری فراهم می‌آورد و ضرورت تحلیل دقیق فشارهای ساختاری و فرهنگی بر تجربه مادران ایرانی را برجسته می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای اشتراوس و کوربین انجام شده است. هدف، تبیین گفتمان‌های مسلط و مقاومت‌های اجتماعی پیرامون نقش مادری از منظر مشارکت‌کنندگان بوده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق فردی با ۱۷ زوج (۳۴ نفر) گردآوری شده و تحلیل آن در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت گرفت. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و مبتنی بر معیار نظری انجام شد و انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس تنوع در تجربه، دیدگاه و موقعیت اجتماعی نسبت به مقوله مادری بود. اعتبار تحلیل با استفاده از مقایسه مداوم داده‌ها و بازاندیشی در مفاهیم طی فرایند تحلیل تقویت شد. در نهایت، با تکیه بر خرده‌مقولات استخراج‌شده، پدیده‌ی مرکزی

¹ Matrescence

² maternal burnout

مرزهای مادری، روایت‌هایی از سیالیت، مقاومت و بازتعریف تجربه‌ی مادری زنانه

«تکثر در مفهوم مادری» شناسایی و شبه‌منظریه‌ای در خصوص «مادرانگی سیال» تدوین گردید.

جدول ۱- اطلاعات افراد مصاحبه‌شونده

ردیف	نام و نام خانوادگی	شغل	سن	تحصیلات	طول زمان ازدواج	تعداد فرزند	جنس و سن فرزندان
زوج اول	بیژن. خ	کارمند آبفا	45	دیپلم	22 سال	یک فرزندخوانده	پسر 6 ساله
	لیدا. ط	خانه‌دار	43	دیپلم			
زوج دوم	فرزانه. ف	کارمند آبفا	42	لیسانس	13 سال	یک	دختر 7 ساله
	حسین. ش	آزاد	43	لیسانس			
زوج سوم	مینا. ا	کارمند آبفا	30	فوق‌لیسانس	3 سال	یک	پسر یک و نیم ساله
	حامد. ح	کارمند	33	لیسانس			
زوج چهارم	فتانه. ف	استاد دانشگاه	45	دکتر	20 سال	دو	پسر دوقلو- 6 ساله
	محمد. ی	کارمند آبفا	48	دکتر			
زوج پنجم	مونا. ص	کارمند آبفا	41	دکتر	12 سال	یک	دختر 5 ساله
	شاهین. ف	کارمند	45	دکتر			
زوج ششم	مریم. ا	معلم	38	لیسانس	8 سال	دو	پسر 5 ساله- دختر 2 ساله
	داوود. ا	کارمند آبفا	39	لیسانس			
زوج هفتم	ندا. ن	پزشک آبفا	41	دکتر	20 سال	سه	دختر 15 ساله- دختر 6 ساله- دختر 1 ساله
	حسین. پ	آزاد	43	فوق‌لیسانس			
زوج هشتم	عاطفه. ا	کارمند آبفا	36	فوق‌لیسانس	8 سال	یک	دختر 5 ساله
	حمید. ف	آزاد	37	فوق‌لیسانس			
زوج نهم	لیلا. ر	آزاد	39	لیسانس	14 سال	دو	دختر 12 ساله- پسر دوساله
	امیر. م	کارمند آبفا	41	دکتر			
زوج دهم	نیکی	کارمند آبفا	33	فوق‌دیپلم	9 سال	یک	پسر 8 ساله
	علی. ص	کارمند آبفا	37	لیسانس			
زوج یازدهم	سحر. ا	کارمند آبفا	41	لیسانس	14 سال	دو	دختر 12 ساله- پسر 6 ساله
	محسن. ه	کارمند	46	فوق‌لیسانس			
زوج دوازدهم	فرشته. ح	کارمند آبفا	45	فوق‌لیسانس	17 سال	-	-
	ابراهیم. ل	استاد دانشگاه	50	دکتر			
زوج سیزدهم	جمیله. پ	کارمند آبفا	52	لیسانس	28 سال	یک فرزندخوانده	دختر 16 ساله
	مهرداد. ص	آزاد	54	لیسانس			
زوج چهاردهم	پوران. ح	کارمند آبفا	34	لیسانس	8 سال	دختر	2 ساله
	مهدی. م	کارمند	38	لیسانس			
زوج پانزدهم	الهام. ص	کارمند	52	لیسانس	26 سال	-	-
	بابک. م	کارمند آبفا	54	لیسانس			
زوج شانزدهم	گلی. د	کارمند آبفا	43	فوق‌لیسانس	13 سال- ازدواج سفید	-	-
	مهران. ح	کارمند	47	لیسانس			

جدول 2- نمونه‌ای از کدگذاری

ردیف	مفاهیم (کدبندی اولیه)	مقوله‌های عمده (کدبندی متمرکز)
۱	نداشتن وقت فراغت از مادری و اولویت دادن پیوسته به خواست فرزند	استحاله در مادری
۲	احساس گناه در زمان‌هایی که مادر برای خود وقت می‌گذراند	
۳	دور شدن از علایق فردی و حتی فراموش کردن دل‌مشغولی‌های شخصی مادر	
۴	تسهیلات قانونی در جهت مسئولیت کاری کمتر برای مادر	زنانه دانستن نقش مادری
۵	تناسب ویژگی‌های رفتاری زن با مادری	
۶	تأثیر الگوهای فرهنگی در انتظار وظیفه‌ی مادری از زن و تقدس سازی مادری	
۷	احساس غریزه‌ی مادری در زنان	
۸	وجود فشار فرهنگی برای لزوم ایفای نقش مادری توسط زن و وجود فشار برای نحوه‌ی مادری‌کردن توسط زن	عدم پذیرش (مقاومت در برابر) زنانه انگاشتن نقش مادری
۹	اصرار گفتمان پزشکی بر تغذیه با شیر مادر بدون توجه به مشکلات و شرایط مادر	
۱۰	ارتباط فرهنگ مردسالاری با زنانه انگاشتن مادری	
۱۱	تجرباتی دال بر غریزی نبودن میل مادری	
۱۲	تجرباتی دال بر ذاتی نبودن احساس نیاز کودک به مادر طبیعی (مادری که از او متولد شده)	
۱۳	انجام بهتر برخی کارهای مرتبط با کودک توسط پدر (توانایی فیزیولوژیکی بیشتر)	
۱۴	مشکلات انجام وظایف مراقبت از کودک برای زن	
۱۵	انتقاد به مسائل ساختاری زمینه‌ساز دیدگاه زنانه دانستن وظیفه‌ی مادری	
۱۶	انتقاد به مسائل فرهنگی زمینه‌ساز زنانه دانستن نقش مادری	
۱۷	تمایل پدر به همراهی و نزدیکی با نقش مادری	
۱۸	وجود مشکلات ناشی از بدن پدرا نه در پدران نسل جدید	بدن پدرا نه/ بدن مادرانه

مرزهای مادری، روایت‌هایی از سیالیت، مقاومت و بازتعریف تجربه‌ی مادری زنانه

۱۹	وجود مشکلات ناشی از بدن مادرانه برای مادران جدید	
۲۰	تغییرات در سبک زندگی و افزایش آگاهی نسبت به گذشته	تغییرات در سبک فرزندپروری
۲۱	جایگزینی ابزارهای مدرن به جای ابزارهای سنتی	
۲۲	توقعات و انتظارات فرهنگی از مادری خوب و ایده آل	مادرانگی ایده آل / مادرانگی چندوجهی
۲۳	پیچیده تر شدن زندگی زنان و علاقه به توسعه ی فردی نسبت به گذشته	
۲۴	فضای دوگانه ی ذهنی مادر امروز: تقابل مادری بازنمایی شده و احساس کمبود مادری	سوپرمام های اینستاگرامی
۲۵	فشارهای رسانه ای به ویژه اینستاگرام در ارائه نقش مادری ایده آل و کامل	
۲۶	عدم علاقه به پذیرش نقش مادری و نیاز به رهایی	انکار مادری
۲۷	پشیمانی از تولد فرزند و نیاز به فاصله داشتن از فرزند و پیگیری علایق شخصی	
۲۸	تغییر در فضای حسی و ذهنی بعد از بچه دار شدن	

یافته‌های پژوهش

تضاد درونی تجربه‌ی مادری: قدرت عاملیت زنانه یا محدودیت فردیت زنانه

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که تجربه‌ی مادری در بین زنان مشارکت‌کننده، پدیده‌ای چندلایه، متضاد و سیال است که به شکل یکنواخت و یکدست تجربه نمی‌شود. بسیاری از زنان نقش مادری را به عنوان مسئولیتی صرفاً زنانه، طبیعی و غریزی قلمداد می‌کردند و در عین حال تجربه‌ی زیسته‌ی برخی از آنان نشان می‌داد که همین نقش می‌تواند به منبعی برای قدرت و عاملیت در خانواده بدل شود. برای نمونه، گروهی از مادران از رابطه نزدیک و انحصاری خود با فرزندان به عنوان ابزاری برای حفظ موقعیت روانی یا حتی اجتماعی‌شان بهره برده بودند. از دید این گروه، «مادری‌کردن» نه تنها مسئولیتی زنانه، بلکه قدرتی است که حاضر نبودند آن را با پدران به اشتراک بگذارند. این تجربه، نشان‌دهنده بازتعریف کارکرد مادری زنانه به عنوان عاملی قدرت‌بخش، هویتی و سیاسی در زندگی زنان است.

در نقطه مقابل، گروهی دیگر از مشارکت‌کنندگان، نقش مادری را نه منبع قدرت، بلکه مانعی در مسیر رشد فردی و اجتماعی خود قلمداد کردند. این زنان، از تجربه‌ی نوعی "استحاله در مادری" سخن می‌گفتند؛ وضعیتی که در آن تمامیت هویت فردی‌شان در نقش مادرانه حل می‌شود و سایر جنبه‌های وجودی‌شان از جمله حرفه، علایق شخصی، یا روابط اجتماعی‌شان در حاشیه قرار می‌گیرد. بسیاری از این مادران احساس می‌کردند که گفتمان مسلط مادری نه تنها این وظیفه را صرفاً از زنان مطالبه می‌کند بلکه انتظارات فرهنگی و الزامات مادری کامل و ایده‌آل آن‌ها را در وضعیتی قرار داده که ناگزیر از چشم‌پوشی بر خواسته‌ها و نیازهای خود هستند. یکی از مصاحبه‌شوندگان با بیانی صریح گفته بود: «از وقتی مادر شدم، دیگه فقط یه نفر هستم: مادر. زن بودن، خودم بودن، حتی خسته بودن فراموش شده. و انگار این بجه فقط مثال منه، هیچ‌کس انتظاری از پدر نداره» چنین روایت‌هایی، به چالش کشیدن گفتمان مادری فداکارانه را به‌خوبی نشان می‌دهند و بیانگر شکل‌گیری نوعی نارضایتی خاموش از ایدئولوژی مادری است که از زنان می‌خواهد با نادیده‌گرفتن خویش، نقشی صرفاً مراقبت‌گر و فداکار داشته باشند. گفتمانی که زن را مسئول انجام تمام وظایف و مسئولیت‌های مادری می‌داند اما در ابعاد حقوقی و قانونی پدر صاحب و مالک تمام حقوق فرزند است.

مادری فرا زیستی – انتخاب، عشق و مادری داوطلبانه

یکی دیگر از خطوط معنادار در داده‌ها، تجربه‌ی مادری در روابطی بود که فاقد پیوند زیستی بودند—از جمله مادران دارای فرزندخوانده. برخلاف تصورات رایج که مادری را در چارچوب زیستی (بارداری و زایمان) تعریف می‌کنند، مشارکت‌کنندگانی که تجربه فرزندخواندگی داشتند، از پیوندی عمیق، عاشقانه و داوطلبانه با فرزند خود سخن می‌گفتند که حتی برخی آن را پررنگ‌تر از رابطه زیستی توصیف می‌کردند. این مادران، مادری را نه امری غریزی یا اجباری، بلکه یک انتخاب آگاهانه و متعهدانه می‌دانستند که از دل علاقه، مراقبت، و احساس تعلق شکل می‌گیرد. این داده‌ها نشان می‌دهند که مفهوم مادری الزاماً به ویژگی‌های جسمانی یا زیستی وابسته نیست، بلکه امری اجتماعی، ارتباطی و از جنس کنشگری است. این نوع تجربه، نه تنها گفتمان سنتی "مادری زنانه-بیولوژیک" را به چالش می‌کشد، بلکه امکان تصور مادری در قالب‌های غیرمتعارف (از جمله توسط والدین ترانجسیتی، پدران تنها، یا خانواده‌های غیردگرجنس‌گرا) را نیز ممکن می‌سازد.

انکار مادری

یکی از یافته‌های کمتر گفته‌شده اما تأمل‌برانگیز در داده‌ها، حضور زنانی بود که با وجود تجربه‌ی فرزندآوری، نقش مادری را نپذیرفته یا آن را در زندگی خود به حاشیه رانده بودند. برای برخی از این زنان، ورود کودک به زندگی، نه آغاز رابطه‌ای عاطفی، بلکه نوعی بحران هویتی یا گسست در مسیر زیستی و روانی آنان بود؛ تا جایی که در مواردی، آنان تصمیم گرفته بودند از مسئولیت‌های والدگری صرف‌نظر کرده و حتی رابطه خود با فرزند را قطع یا محدود کنند. این تجربه‌ها که در اشکال مختلفی تحقق یافته (از قبیل ترک فرزند پس از طلاق یا وانهادن فرزند و سفر به خارج از کشور) معمولاً با سکوت اجتماعی

و قضاوت اخلاقی شدید همراهاند و از این جهت اهمیت دارند که فرض غالب «غریزه مادری» را به چالش می‌کشند. زنانی که زایمان کرده‌اند ولی مادر بودن را انتخاب نکرده‌اند، به‌وضوح نشان می‌دهند که مادری نه محصولی زیست‌شناختی، بلکه امری فرهنگی، ذهنی و برساخته است. این امتناع، اگرچه در حاشیه قرار دارد، اما از نظر مفهومی، نقش مهمی در تضعیف بنیان‌های طبیعی و بدیهی‌انگارانه تمایل به مادری در زنان دارد.

گفتمان مسلط مادری؛ یک ایدئولوژی دو وجهی: زنانه بودن و الزام رعایت استانداردهای مادری

تک وجهی، یک‌سویه و معطوف به فرزند: در الگوی ایده‌آل مادری که از سوی سنت، نگاه فرهنگی حاکم و به‌پشتوانه‌ی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، حمایت می‌شود بزرگ‌ترین رسالت زن، مادری و تربیت فرزند سالم و صالح است و ارجح این است که مادر از خواسته‌ها و علایق شخصی خود بگذرد و صرفاً پرورش کودک و خواست او را در اولویت قرار دهد. این نوع رفتار تحت عنوان فداکاری و ایثارگری‌های مادرانه آن‌قدر ارزشمند تلقی می‌شود که بسیاری مادران در ابراز آن اغراق می‌کنند تا در این رفتار از همدیگر پیشی بگیرند.

پرون معیار: در این گفتمان، معیارهای لذت مادرانه و نحوه‌ی مراقبت یا تربیت فرزند همچون بسته‌های از پیش تعیین‌شده‌ای آماده و به زنان ارائه شده و اجرای آن از مادران مطالبه می‌شود. از معیارهای ویژگی‌های ظاهری کودک مانند: سلامت، تمیزی، آراستگی، تپل بودن گرفته تا ویژگی‌های رفتاری مانند: مؤدب و ساکت بودن، آموزش‌پذیر بودن و داشتن مهارت‌های متعدد و گذراندن کلاس‌های مختلف. در این معیارها به شادی و سرزندگی و رشد شخصیتی مادر توجهی نمی‌شود.

غیر اشتراکی: در نگاه رایج عرف و سنت به مقوله‌ی مادری، هرچه مادر به‌تنهایی مشغول رسیدگی به کودک باشد و خودش بیشتر کارها را به عهده بگیرد، پسندیده‌تر و ارجح است و نشانه‌ی ارزش‌مندی بیشتر در نقش مادری است. در نگاه سنتی به مادری، اشتراک وظایف مادری و تقسیم آن با پرستار، مهدکودک، پدر یا اطرافیان به‌ندرت مورد تأیید است. در وضعیت جدید مادرانگی، به دلیل وجود فرزندان کمتر در خانواده، دوری محل سکونت از اقوام، خانه‌های کوچک‌تر و آپارتمانی و دیگر تغییرات شکل خانواده مادر علاوه بر وظایف مادری نقش همبازی کودک را هم به عهده دارد. مباحث روان‌شناسی نیز بر ارتباط مدام و بازی‌های مادر و فرزند تأکید دارند در گفتمان مسلط مادر ایده‌آل، هرچه مادر نقش‌های بیشتری به‌عهده داشته باشد پسندیده‌تر است مادری که خودش بچه را در خانه نگهداری کند به‌جای اینکه او را به مهد ببرد یا برایش پرستار بگیرد، مادری که به‌جای سرویس خودش رفت‌وآمد فرزند را به عهده بگیرد، به‌جای خرید کیک‌ها و تغذیه‌های آماده، خودش کیک و شیرینی ببزد، همه‌ی این موارد به‌نوعی ابعاد مختلف انتظارات از نقش مادری را توصیف می‌کند و تأکید گفتمانی که نحوه انجام این وظایف زنان را ارزیابی و مادری‌شان را ارزش‌گذاری می‌کند.

در شکل‌گیری گفتمان مسلط مادری از "تأثیر رسانه‌ها در تثبیت گفتمان مسلط مادری" در سطوح وسیع فرهنگی نباید چشم پوشید. تلویزیون، رادیو، سینما، شبکه فیلم‌های خانگی، بیلبردها و فضای مجازی غالباً بر بازتولید تصویر ایده‌آل از مادر زنانه و سنتی صحه می‌گذارند. زنانی که یا مادر هستند و فداکار و از خود گذشته و یا در حسرت مادر شدن. این الگوی فرهنگی و استاندارد جامعه ما از مادری‌ست. این استانداردها با مشروعیت‌گیری از گفتمان‌های عرف و سنت و مذهب، وجه اخلاقی به خود گرفته و همچون گزاره‌هایی بلاتردید مورد تأکید قرار می‌گیرند.

افزون بر موارد فوق بخش مهمی از نهادینه‌سازی نقش مادری در جامعه، از طریق سیاست‌ها و قوانین رسمی انجام می‌شود. تسهیلاتی مانند مرخصی زایمان طولانی‌مدت، کاهش ساعات کاری، مرخصی تحصیلی، کمک هزینه‌ها یا حمایت‌های بیمه‌ای که فقط به مادران اختصاص دارند، در ظاهر با نیت حمایت از زنان طراحی شده‌اند، اما در عمل، تقسیم جنسیتی مسئولیت‌های فرزندپروری را تثبیت می‌کنند. چنین سیاست‌هایی، اگرچه ممکن است به نفع بخشی از زنان عمل کنند، اما هم‌زمان تصور "طبیعی" بودن مادری به‌مثابه وظیفه‌ای زنانه را بازتولید کرده و مشارکت پدران یا سایر الگوهای والدگری را به حاشیه می‌رانند.

مادری دیجیتال و سوپرمام‌های اینستاگرامی

یکی از مضامین نوظهور در داده‌ها، تجربه‌ی مادران از زیستن در فضای شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه اینستاگرام، بود. برخی از مشارکت‌کنندگان اشاره داشتند که تصاویر بازنمایی‌شده از مادری در این فضا، الگویی از مادر ایده‌آل، همیشه‌خندان، مرتب، آراسته و همه‌فن‌حریف را بازتولید می‌کند؛ الگویی که با تجربه واقعی بسیاری از مادران فاصله دارد و منجر به احساس نابسندگی، فشار روانی و رقابت پنهان میان زنان می‌شود. در این فضا، مادری نه فقط یک کنش مراقبتی بلکه به نوعی پرفورمنس (نمایش) قابل قضاوت تبدیل شده است. نمایشی که برای کسب تأیید اجتماعی، لایک، و مشروعیت مادری باید به‌گونه‌ای خاص به تصویر کشیده شود. با اینکه برخی مادران از فضای مجازی برای تبادل تجربه و یافتن همدلی استفاده می‌کردند، اما هم‌زمان، این فضا را منبع اضطراب، مقایسه و فشاری برای انطباق با الگوهای ایده‌آل و غیرواقع‌بینانه می‌دانستند. این داده‌ها نشان می‌دهند که فناوری‌های دیجیتال، گفتمان مادری را از سطح روابط خانوادگی فراتر برده و آن را به عرصه‌ای عمومی و پرقابلیت از بازنمایی فرهنگی بدل کرده‌اند.

راهبردهای مادران: مقاومت، بازاندیشی، بازتعریف

در مواجهه با گفتمان مسلط مادری (ایدئولوژی مادر خوب) که از زنان انتظار ایفای نقشی تمام‌وقت، فداکارانه و بی‌چون‌وچرا دارد، برخی مشارکت‌کنندگان پژوهش راهبردهای متنوعی را برای حفظ تعادل روانی، بازیابی هویت فردی و بازتعریف نقش مادری اتخاذ کرده بودند. برخی با تعلیق موقت نقش مادری در موقعیت‌هایی خاص، از خواسته‌های گفتمانی فاصله می‌گرفتند؛ برخی دیگر، با اتخاذ سبک «مادری خودبنیاد»، و غلبه بر

هراس‌های اخلاقی مادرانه سعی داشتند تعریف شخصی‌شده‌ای از مادری ارائه دهند که با سبک زندگی، ترجیحات فردی و مرزهای روانی‌شان سازگارتر باشد برای مثال اولویت دادن به خواب راحت با نزدیک‌خوابی کودک در مقابل توصیه‌های سخت‌گیرانه روان‌شناسانه درباره خواب مستقل مادر و کودک. یا ترجیح تغذیه با شیر خشک به جای تغذیه با شیر مادر و پذیرش مشکلات مرتبط با آن. در این میان، مفهوم مادری اشتراکی و فراجنسیتی نیز در تجربه‌ی برخی مادران حضور داشت؛ به‌ویژه آن‌هایی که خواهان مشارکت فعال‌تر پدران یا استفاده از حمایت‌های بیرونی (مهدکودک، پرستار، خانواده گسترده) بودند. این راهبردها نشان می‌دهند که زنان نه‌تنها پذیرای نقش از پیش‌تعریف‌شده‌ی مادری نیستند، بلکه از طریق بازاندیشی در نقش خود، در حال خلق شکل‌های جدیدی از مادرانگی هستند که الزامات گفتمانی را به چالش می‌کشد و به سمت تعادل میان نیازهای فرزندی و فردی حرکت می‌کند.

ظهور پدیده‌ی مرکزی: تکرار در تجربه‌ی مادری

تحلیل نهایی داده‌ها نشان می‌دهد که تجربه‌ی مادری در بین مشارکت‌کنندگان، نه یک الگوی ثابت و جهان‌شمول، بلکه پدیده‌ای چندوجهی، موقعیتی و برساخته‌شده است که در تقاطع گفتمان‌های سنتی، پزشکی، مذهبی، قانونی و نیز واکنش‌های فردی و انتقادی زنان شکل می‌گیرد. از مادری به‌مثابه قدرت، تا مادری به‌مثابه محدودیت، از مادر زیستی تا مادر انتخابی، از پذیرش کامل نقش مادری تا تعلیق یا بازتعریف آن—همگی نشان می‌دهند که مادری، به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، دارای اشکال متنوع و متکثر از مادرانگی است. این تکرار، پدیده‌ای مرکزی در تحلیل این پژوهش است که می‌توان آن را تحت عنوان شبه‌نظریه‌ی «مادرانگی سیال» صورت‌بندی کرد. در این چارچوب، مادری نه نقش از پیش تعیین‌شده و نه وظیفه‌ای ذاتی برای زنان است، بلکه فرآیندی پویا، انتخابی و قابل بازتعریف است که از سوی زنان در تعامل با ساختارهای اجتماعی و تجربه زیسته‌شان شکل می‌گیرد.

جمع‌بندی تحلیلی

یافته‌های این پژوهش با تکیه بر تجربه زیسته مادران، نشان دادند که مفهوم مادری در ایران معاصر نه یک وضعیت ثابت و طبیعی، بلکه پدیده‌ای چندلایه، سیال و متکثر است که در تقاطع گفتمان‌های مسلط، ساختارهای فرهنگی-قانونی و کنشگری فردی زنان شکل می‌گیرد. این نتیجه با چارچوب‌های نظری برساخت‌گرایانه و فمینیستی همخوان است که مادری را نه ذات‌گرایانه، محصول گفتمان‌ها و روابط قدرت تحلیل می‌کنند (Butler, 1990; Chodorow, 1978; Goffman, 1977). چنان‌که یافته‌ها نشان دادند، زنان از یکسو درون گفتمان مسلط مادری—که آن را وظیفه‌ای طبیعی، فداکارانه و صرفاً زنانه می‌داند—قرار دارند و از سوی دیگر، در حال بازتعریف و مقاومت در برابر همین الگوها هستند. این وضعیت دوگانه، دقیقاً همان تنش است که باتلر و هیز از آن به‌عنوان میدان بازتولید و مقاومت در برابر هنجارهای جنسیتی یاد می‌کنند. (Butler, 1990) (Hays, 1996)

یافته‌های مربوط به تضاد درونی تجربه مادری—میان عاملیت زنانه و محدودیت فردیت—با مفاهیمی همچون «مادری پرفشار» و «گذار مادرانه» هم‌راستا است. (Jones, 2023) نظام‌های فرهنگی و اقتصادی انتظارات سنگینی از مادران دارند و از این طریق هویت فردی آنان را محدود می‌کنند؛ یافته‌های این پژوهش نیز نشان دادند که بسیاری از زنان تجربه نوعی «استحاله در مادری» را گزارش کرده‌اند که دقیقاً همین فرایند را بازتاب می‌دهد. مقولات خستگی مادرانه و مشکلات ناشی از بدن مادرانه، دردهای جسمی و روانی مسئولیت شیردهی بی وقفه نوزاد با نظریه فرسودگی مادرانه بوسکنز و نقد ولف به ایدئولوژی همسوست. (Bueskens, 2018) (Jones, 2023) در مقابل، تجربه برخی مادران از بهره‌گیری آگاهانه از نقش مادری برای حفظ یا تقویت موقعیت روانی و اجتماعی‌شان و اشاره به نقش پررنگ مادری به عنوان منبع قدرت در خانواده برای زنان، نشان‌دهنده‌ی شکل‌های بدیل کنشگری است که نظریه‌های کلاسیک کمتر به آن پرداخته‌اند و با برخی دیدگاه‌های نوین‌تر درباره مادری به‌عنوان منبع عاملیت همخوانی دارد.

داده‌های مربوط به مادری فرازیستی و داوطلبانه، از یک سو و نیز یافته‌های مربوط به انکار مادری، فرضیات طبیعی‌انگارانه درباره پیوند زیستی و غریزه مادری زنانه را به چالش کشیدند. این یافته‌ها به‌طور مستقیم با مطالعات ریان فلود (Ryan-Flood, 2009) و پژوهش خادم صبا و همکاران (خادم صبا و همکاران، ۱۴۰۱) هم‌راستا است که به شکل‌گیری اجتماعی نقش مادری و اهمیت ساختارهای اجتماعی فرهنگی در برساخت آن می‌پردازند و آشکار می‌کنند که مادری یک الزام طبیعی زنانه نیست بلکه تصمیم فرهنگی اجتماعی است که می‌تواند حتی توسط گروه‌های متنوعی (از جمله والدین ترانزجسیتی یا پدران تنها) و بر پایه‌ی انتخاب، عشق و مراقبت شکل گیرد. تجربه والدین دارای فرزندخوانده در این پژوهش دقیقاً همین نگاه را تقویت کرد و نشان داد که مادری امری اجتماعی و انتخابی است.

تحلیل گفتمان مسلط مادری در ایران و و بررسی مشکلات مادران شاغل در تعارض نقشی شغلی و مادری، تضادهای نقشی که اسحاقی و همکاران (اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۳) به آن اشاره کرده بودند را آشکارتر می‌سازد. مقوله تاثیر رسانه‌ها در گفتمان مسلط مادری و نیز اشاراتی در خصوص احساس نابسندگی و رقابت پنهان و نمایش‌های مادرانه در فضای مجازی، درک مفهوم مادری دیجیتال و اصطلاح سوپرمام‌های دیجیتالی را عمیق‌تر روشن می‌کند. (Lupton, 2016) مواجهه دوگانه با گفتمان مسلط مادری و تلاش برای رسیدن به ویژگی‌های درون معیار و خودبسنده برای مادری کردن (در تقابل با مادری برون معیار و غیر خودبسنده که استانداردهای مادری خوب دیکته می‌کند) اهمیت حوزه‌های دانش و شناخت زنان را در شکل‌گیری و تنوع بخشی به نقش‌ها و هویت‌های مختلف مادری برجسته می‌سازد چنانچه علینقیان به آن اشاره نموده بود (علینقیان، ۱۳۹۹). تقسیم وظایف مادری و حرکت به سوی مادری اشتراکی به رغم فشارهای فرهنگی ایدئولوژی مادر خوب، راهکاری است که مادران شاغل برای حل تعارضات نقشی خود به کار می‌گیرند. تعارضاتی که صادقی و شهابی در پژوهش خود به آن پرداخته بودند (صادقی و شهابی، ۱۳۹۸). این پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که فشارهای فرهنگی و نهادی بر مادران ایرانی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و مادری را به وظیفه‌ای تمام‌وقت و فداکارانه بدل

می‌کنند. (خادم صبا و همکاران، ۱۴۰۱) یافته‌های این مطالعه نیز این تصویر را تأیید کرده اما در عین حال نشان داده است که زنان صرفاً پذیرنده این وضعیت نیستند، بلکه با اتخاذ راهبردهایی مانند مادری خودبنیاد، تعلیق نقش، یا مادری اشتراکی، در حال بازاندیشی و بازتعریف الگوهای موجودند.

در نهایت، مفهوم مرکزی «تکثر در تجربه مادری» و شبه‌نظریه «مادرانگی سیال» که در این پژوهش استخراج شد، فراتر از الگوهای دوگانه کلاسیک «مادر خوب / مادر بد» و «مادری زنانه / مادری فرآجنسیتی» حرکت می‌کند و نشان می‌دهد که مادری پدیده‌ای پویا، موقعیتی و وابسته به انتخاب، طبقه، فرهنگ و عاملیت فردی است. این نتیجه‌گیری، ضمن همپوشانی با نظریات فمینیستی معاصر (Jones, 2023; Bueskens, 2018)، به ادبیات داخلی نیز لایه‌ای تازه می‌افزاید؛ زیرا نشان می‌دهد زنان ایرانی در تعامل با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی بومی، در حال خلق اشکال نوینی از مادری هستند که نه در پیشینه کلاسیک داخلی و نه در ادبیات غربی، به‌طور کامل بازنمایی نشده است.

منابع

- اسحاقی، محمد، محبی، سیده فاطمه، پاپی نژاد، شهربانو، و جهاندار، زینب. (۱۳۹۳). چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۲(۱)، ۱۱۱-۱۳۴.
- صادقی، رسول، و شهابی، زهرا. (1398). تعارض کار و مادری: تجربه‌ی گذار به مادری زنان شاغل در شهر تهران. جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، 30(1 (پیاپی 73)، 91-104.
- خادم صبا، پ. ازکیا، م. سفیری، خ. سیف‌اللهی، سیف‌الله. ۱۴۰۱. "تحلیل پارادایمی مفهوم زنانه‌انگاری مادری با روش نظریه بنیانی. مورد مطالعه: کارمندان شرکت آب‌فای منطقه یک تهران. مجله مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۹، شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۴۰۱): ۳۰۵-۳۲۲.
- سفیری، خدیجه؛ زندی، فاطمه. (۱۴۰۰). پدیدارشناسی تجربه زیسته مادری (مورد مطالعه مادران ۲۰ تا ۴۵ ساله شهر اراک). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱۸، ۴۰-۶۲.
- علی‌نقیان، شیوا، رفعت‌جاه، مریم، و ودادهیر، ابوعلی. (۱۳۹۹). از مادر که حرف می‌زنیم، از چه کسی حرف می‌زنیم: خودمردم‌نگاری برساخت اجتماعی مادری در شهر تهران. مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)، ۱۸(۳)، ۱۰۷-۱۴۴.
- Butler, J. 1990. *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. London: Routledge.
- Bueskens, Petra. 2018. *Motherhood and women's Dual Identities: Rewriting the Sexual; contract*, London: new York: Routledge
- Chodorow, N. 1978. *The Reproduction of Mothering: Psychoanalysis and the Sociology of Gender*. Berkeley: University of California Press.
- Goffman, E. 1959. *The Presentation of Self in Everyday Life*. New York: Anchor Books.

- Hays, S. 1996. *The Cultural Contradictions of Motherhood*. New Haven: Yale University Press.
- Jones, L. 2024. "Matrescence: On Pregnancy, Childbirth, and Motherhood." *The New Yorker*.
- Lupton, D. 2016. *The Quantified Self: A Sociology of Self-Tracking*. Cambridge: Polity Press.
- Ryan-Flood, R. 2009. *Lesbian Motherhood: Gender, Families and Sexual Citizenship*. London: Palgrave Macmillan.
- West, C., & Zimmerman, D. H. 1991. "Doing Gender." *Gender & Society*, 5(2): 125-151.
- Wolf, J. B. 2011. *Is Breast Best? Taking on the Breastfeeding Experts and the New High*